یک کارشناس سیاسی:

اسرائیل در قفقاز به دنبال پایه‌گذاری «قومِ خزر» است

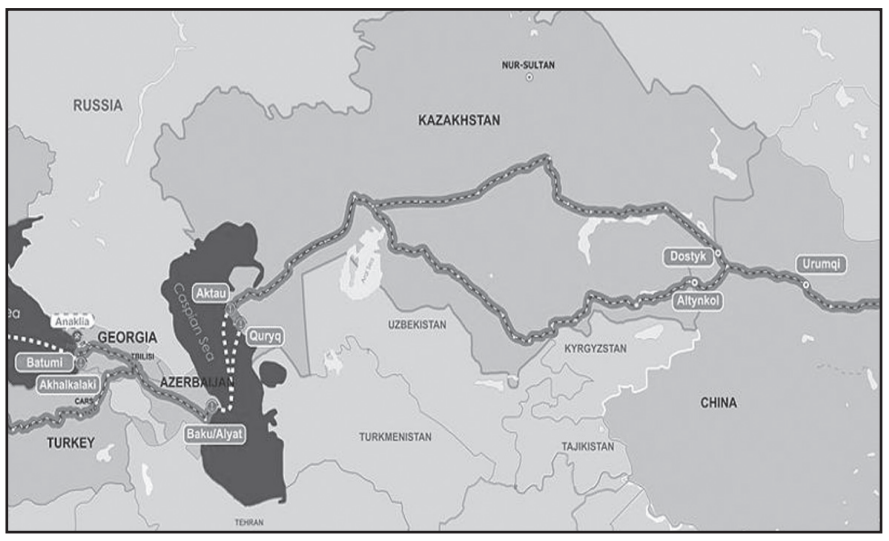

یک کارشناس مسائل اسرائیل گفت: ممکن است تل‌آویو تا زمان اجرا شدن پروژه‌اش علیه کریدور زنگزور، یهودیان روسیه را در یک محل خاص و حتی نزدیک به مرزهای ایران اسکان دهد تا در نهایت بتوانند این پروژه را براساس یک متغیر انسانی به نفع خودشان تکمیل کنند.

«سید محمدجعفر رضوی» کارشناس مسائل اسرائیل در تشریح دلایل و پیامدهای احداث اردوگاه در جمهوری آذربایجان برای انتقال یهودیان روسیه به این کشور در گفت‌وگو با ایلنا اظهار کرد: اخیراً رژیم صهیونیستی اعلام کرده که قصد دارد برای جلوگیری از اعزام یهودیان روسیه به جنگ علیه اوکراین، این افراد را از این کشور خارج کند و آنها را در اردوگاه‌هایی در

***صهیونیست‌ها درصدد ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران با انتقال یهودیان روسیه به آذربایجان و در جدار مرزی ایران هستند**

جمهوری آذربایجان اسکان دهد که بسیاری آن را یهودی‌سازی قفقاز قلمداد می‌کنند. قبل از هر چیز باید دانست که یهودیان قفقاز و ذاتِ حیاتِ آنها یک سابقه تاریخی دارد. یهودیان در ریشه‌شناسی قومیت و مذهب‌شان نام ۱۲ قبیله را اعلام کرده‌اند که معتقدند این ۱۲ قبیله از زمان بنی‌اسرائیل به بعد وجود داشته‌اند. بعدها هم نامی از «قبیله سیزدهم» به میان آوردند. صهیونیست‌ها اعتقاد دارند که یک قوم به نام «قومِ خزر» در قفقاز حضور داشته اما هیچ سندی در این مورد ارائه نمی‌کنند.

وی ادامه داد: برخی دیگر هم اعتقاد دارند که این مسائل به نوعی، یک جعل تاریخی یا تاریخ‌سازی به نفع اسرائیل است تا از این طریق بتوانند یک پیشینه تاریخی برای خودشان خلق کنند. در این بین بحث قبیله یا قوم سیزدهم را باید در راستای همین سناریو بدانیم؛ چراکه عده‌ای معتقدند این قوم یا قبیله به هیچ وجه وجود خارجی نداشته اما برخی دیگر می‌گویند که این قوم وجود داشته اما در نهایت یهودی شده‌اند. بر این اساس و با اشاره به همین ریشه تاریخی به وضوح می‌بینیم که اسرائیل از گذشته به این منطقه نگاه ویژه داشته و حالا هم به دنبال آن هستند تا این روند را به نوعی دیگر اجرایی کنند. صهیونیست‌ها می‌خواهند این موضوع را به یهودیان القاء کنند که شما همان قوم خزر هستید و با

***زمانی که قرار است یهودیان از کشور مبدأ خود خارج شوند، باید مستقیماً به اراضی اشغالی سفر کنند اما برای اولین بار ما شاهد آن هستیم که اسرائیل قرار است یهودیان روسیه را در آذربایجان اسکان دهد**

توجه به فضای مساعدی که برای تل‌آویو در جمهوری آذربایجان وجود دارد، آنها به دنبال پیاده‌سازی این سناریو هستند.

این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: با تمام این تفاسیر اگر فرض را بر این بگذاریم که قره‌باغ طی روزهای آینده به صورت رسمی به جمهوری آذربایجان خواهد پیوست، این احتمال وجود دارد که اردوگاه‌های متعلق به یهودیان در این منطقه بنا شود. ازسوی دیگر هم باید متوجه بود که اسرائیل پروژه ضربه زدن به ایران را با تمام توان و شدت خود در قفقاز دنبال می‌کند و حالا هم در این راه به دنبال ائتلاف و اتحادسازی علیه تهران در مقیاس منطقه‌ای است. باید متوجه بود که اسرائیل در آذربایجان

***باید متوجه بود که اسرائیل پروژه ضربه زدن به ایران را با تمام توان و شدت خود در قفقاز دنبال می‌کند و حالا هم در این راه به دنبال ائتلاف و اتحادسازی علیه تهران در مقیاس منطقه‌ای است**

نفوذ امنیتی خود را حفظ خواهد کرد و در این میان ممکن است که بحث کریدور زنگزور را هم براساس راهبرد خودش تغییر وضعیت بدهد. بر همین اساس اگر بگوییم که تل‌آویو در بخشی از سناریوی خود سعی دارد تا با انتقال یهودیان روسیه به آذربایجان و ساخت اردوگاه برای اسکان آنها به ایران ضربه بزند، به نظرم گزافه نگفته‌ایم.

رضوی افزود: نکته‌ای که در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد این است که زمانی که قرار است یهودیان از کشور مبدأ خود خارج شوند، باید مستقیماً به اراضی اشغالی سفر کنند اما برای اولین بار ما شاهد آن هستیم که اسرائیل قرار است یهودیان روسیه را در آذربایجان اسکان دهد و سپس به سرزمین‌های اشغالی منتقل کند. اینکه جماعتِ مذکور قرار است تا چه زمانی در آذربایجان بمانند یا اینکه آیا اسکان آنها موقتی است یا دائمی، مشخص نیست اما مساله اصلی این خواهد بود که اسرائیل با این اقدام می‌تواند چینش و آرایش ژئوپلیتیکی را به هم بزند. احتمال

***اگر بگوییم که تل‌آویو در بخشی از سناریوی خود سعی دارد تا با انتقال یهودیان روسیه به آذربایجان و ساخت اردوگاه برای اسکان آنها به ایران ضربه بزند، به نظرم گزافه نگفته‌ایم**

دیگری هم وجود دارد؛ به گونه‌ای که ممکن است صهیونیست‌ها تا زمان اجرا شدن پروژه‌شان علیه کریدور زنگزور، این یهودیان را در یک محل خاص و حتی نزدیک به مرزهای ایران اسکان دهند تا در نهایت بتوانند این پروژه را براساس یک متغیر انسانی به نفع خودشان تکمیل کنند.

وی در پایان در پاسخ به این پرسش که آیا اسکان یهودیان روسیه در آذربایجان می‌تواند از منظر سیاست داخلی، در شرایط کنونی به نفع نخست‌وزیر فعلی رژیم صهیونیستی باشد یا خیر خاطرنشان کرد: این اقدام به صورت کلی می‌تواند به نفع یائیر لاپید، نخست‌وزیر کنونی اسرائیل باشد؛ چراکه درحال حاضر انتخابات کنست در اسرائیل از اهمیت خاصی برای او و حتی رقبایش مانند بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر پیشین و رهبر اپوزیسیون مستقر در پارلمان برخوردار است. اگرچه که به نظر می‌رسد لاپید با مشکلات چندانی در انتخابات روبرو نیست، اما واقعیت این است که او در داخل کنست به صورت یک جانبه نمی‌تواند انتخابات را تا حصول پیروزی و نتیجه، به نفع خود مدیریت کند و به همین جهت به یک محرک داخلی قدرتمند نیاز دارد. او می‌داند که به هر ترتیب باید اوضاع را به نفع خود هدایت کند و به همین دلیل معتقدم که چنین سناریویی می‌تواند برای او در شرایط فعلی بسیار مهم و ضروری باشد.

توطئه‌ای برای خزر و موضوع کریدورهای جایگزین

اندیشکده آمریکایی «بنیاد هریتیج» اعتقاد دارد کشورهای غربی در همکاری با ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌توانند با بستن دسترسی ایران از طریق خاک ارمنستان، مسیر کریدور میانی را از طریق دریای خزر و قزاقستان به سمت چین باز کنند.

موضوع قره باغ و تنش‌های سرزمینی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان تأثیر قابل توجهی بر برنامه‌ها و طرح‌های جمهوری اسلامی ایران به خصوص در ارتباط با مسیرهای ارتباطی دارد.مسئولین جمهوری اسلامی ایران بارها تأکید کرده‌اند که تغییر مرزهای سرزمینی بین کشورهای شمال غربی ایران را خط قرمز خود می‌دانند.

با توجه به مزاحمت‌هایی که در سال‌های گذشته دولت باکو در مسیر ارتباط زمینی ایران به ارمنستان ایجاد کرده بود، تغییر در وضعیت حاکمیتی قره باغ می‌تواند چالشی برای تهران به ویژه در زمینه تکمیل دسترسی جاده‌ای کریدور شمال جنوب از خلیج فارس تا اروپا باشد.

اکنون اندیشکده‌های آمریکایی سعی دارند با باز کردن پای آمریکا و اروپا به موضوع با هدف دسترسی به منابع گازی قزاقستان و ترکمنستان همین خواسته را عملی کنند.

رهبری ایران در دیدار «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه در ۲۸ تیر ماه ۱۴۰۱ با ابراز خرسندی از بازگشت قره‌باغ به جمهوری آذربایجان گفتند: "البته اگر سیاستی مبنی بر مسدود کردن مرز ایران و ارمنستان وجود داشته باشد، جمهوری اسلامی با آن مخالفت خواهد کرد چرا که این مرز یک راه ارتباطی چند هزار ساله است."

سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی ایران هم در دیدار با الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان در حاشیه کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادسازی آسیا(سیکا) تأکید کرد: "هرگونه تغییر در مرزهای تاریخی و ژئوپلیتیک منطقه و تغییر در وضعیت ترانزیتی ایران و ارمنستان از نظر جمهوری اسلامی ایران مردود است."

با این وجود رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه به ویژه تلاش اروپا برای جایگزین کردن انرژی روسیه در کنار کاهش نفوذ و قدرت چین موجب شده است که اروپا و آمریکا برنامه‌هایی را با میدان‌داری ترکیه برای منطقه طراحی کنند.

همراهی و کمک اردوغان به باکو در جنگ علیه ارمنستان و سفر « نانسی پلوسی » به ارمنستان با اتفاق سومی همراه شد که همان دیدار رهبران ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان بود و گفته می‌شود در نبود ایران و روسیه توافقاتی هم صورت گرفته است.

غرب به دنبال ایجاد گذرگاه میانی از دریای خزر

اندیشکده آمریکایی «بنیاد هریتیج» در گزارشی تحلیلی با عنوان «غرب باید از کریدور میانی استقبال کند» به بررسی این موضوع پرداخته و آورده است: تهاجم «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه به اوکراین، اروپایی‌ها را برای یافتن تامین کنندگان جایگزین گاز طبیعی به تکاپو انداخته است، ضمن آنکه زنجیره تامین کالا بین اروپا و آسیا را به شدت مختل کرد. کشورهای اروپایی برای کاهش وابستگی خود به روسیه و چین و افزایش اختلالات ناشی از رویارویی احتمالی با آنها باید خارج از چارچوب مورد نظر این دو کشور فکر کنند و به دنبال راه‌های جدیدی برای بازیابی امنیت انرژی و تنوع بخشیدن به خطوط بین‌المللی حمل و نقل زمینی خود باشند.

توطئه برای خزر

یکی از گزینه‌های امیدوارکننده، انتقال صادرات و اتصالات انرژی از طریق «کریدور میانی» است که قزاقستان را از طریق دریای خزر، جمهوری آذربایجان و گرجستان و از طریق دریای سیاه به ترکیه و اروپا وصل می‌کند.

گذرگاه میانی که به عنوان مسیر حمل و نقل بین‌المللی ترانس خزر (TITR) هم شناخته می‌شود، می‌تواند مانند کریدور شمالی که تحت کنترل روسیه قرار دارد و تا همین اواخر مسیر ترجیحی برای حمل و نقل ریلی بین اتحادیه اروپا و آسیا بود، به اروپایی‌ها کمک کند.

طبق ادعای هریتیج، چین در گذشته امیدوار بود که کریدور میانی یا ترانس خزر را به عنوان بخشی از طرح توسعه کمربند و جاده (BRI) در انحصار خود درآورد اما کشورهای این مسیر به شدت نسبت به مشارکت پکن محتاط شده‌اند.

از نظر این تحلیل، کریدور میانی ممکن است ارزان‌ترین مسیر حمل و نقل نباشد اما در دنیای پرتلاطم و جنجالی کنونی که تنوع زنجیره‌های تامین در آن ریسک کشورها را کاهش می‌دهد، می‌تواند گزینه‌ای عملیاتی و مقرون به صرفه باشد. البته اجرای این مسیر با چالش‌هایی همراه است.

هیچ اتحادیه گمرکی، هماهنگی تعرفه‌ای یا یکپارچگی دیجیتال فراملی در میان کشورهای گذرگاه میانی وجود ندارد. همچنین زیرساخت‌های کافی برای جا به

***با توجه به مزاحمت‌هایی که در سال‌های گذشته دولت باکو در مسیر ارتباط زمینی ایران به ارمنستان ایجاد کرده بود، تغییر در وضعیت حاکمیتی قره باغ می‌تواند چالشی برای تهران به ویژه در زمینه تکمیل دسترسی جاده‌ای کریدور شمال جنوب از خلیج فارس تا اروپا باشد**

جایی حجم انبوه کالاهای حمل شده در مسیر شمالی موجود نیست. برای نمونه زیرساخت‌های فعلی تنها می‌تواند حدود ۵ درصد از تجارت ریلی بین قاره‌ای را جا به جا کند.

علاوه بر این، کریدور میانی مسیر پیچیده‌تری است که برای عبور کالا از دریای خزر و دریای سیاه به مراکز انتقال دریایی نیاز دارد. انجام این امور بدون تردید با هزینه‌های زیادی همراه است و زمان تحویل کالا را طولانی می‌کند. اما به هر صورت پیشرفت‌هایی حاصل شده است.

گذرگاه میانی و قدرت‌های شرق و غرب

در چند ماه گذشته جمهوری آذربایجان، گرجستان، قزاقستان و ترکیه هماهنگی‌هایی را در زمینه تسهیل و یکپارچه سازی حمل و نقل و ارائه یک بستر سایبری تکمیل شبکه جدید ریلی و همکاری گمرکی و ترانزیتی بیشتر کالا انجام داده‌اند.

براساس تحلیل این اندیشکده آمریکایی، ترکیه نقش اصلی را در معادله ژئوپلیتیکی کریدور میانی ایفا می‌کند و پس از جنگ دوم جمهوری آذربایجان در قره باغ نیز نفوذ خود را در آسیای مرکزی گسترش داده است.

موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان هم در راستای ارزیابی‌های آنکارا در مسیر تقویت ارتباط چین با اروپا است. با این حال، روسیه و ایران همچنان اهرم اقتصادی و نظامی بیشتری نسبت به ترکیه بر کشورهای آسیای مرکزی دارند.

کشورهای آسیای مرکزی باقیمانده از فروپاشی شوروی از روسیه هراس دارند و مایل هستند مشارکت‌های خارجی خود را متنوع کنند. از طرف دیگر چین نیز همیشه مشتاق گسترش شبکه‌های اقتصادی خود است.

جاده ابریشم سنتی هرگز یک گذرگاه ثابت نبود و چین مدرن در دوره «شی جین پینگ» هم جاه طلب‌تر است. ماهیت سیال سیاست خارجی چین سرمایه‌گذاری در مسیرهای تجاری جایگزین، سازگاری با فرصت‌ها و اجتناب از خطرات ژئوپلیتیکی را تشویق می‌کند. در نتیجه، ابتکار جاده کمربند پکن نیز پویایی دارد. اگر چین تصمیم جدی برای توسعه کریدور میانی داشته باشد، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی ممکن است به دلیل کاهش نفوذ روسیه به چین وابسته شوند.

با این حال، تا زمانی که روسیه بتواند کنترل ژئوپلیتیکی منطقه را در دست داشته باشد، چین محتاطانه عمل خواهد کرد و تمایلی به درگیری با مسکو ندارد و به همین دلیل، شی یک سیاست دوگانه را دنبال خواهد کرد و آن حفظ دوستی اقتصادی و سیاسی با پوتین و در عین حال بهره‌گیری از ضعف روسیه پس از تهاجم به اوکراین برای پیشبرد منافع خود در آسیای مرکزی است.

هریتیج توصیه می‌کند که در این دوره غرب نباید تماشاگر باقی بماند. کشورهای کریدور میانه نسبت به نیات چین بدبین هستند و این می‌تواند فرصت‌های مشارکت جدیدی را برای ایالات متحده و اروپا فراهم کند. مشخص نیست که برخی از اقتصادهای اروپایی تا چه اندازه کریدور میانه را یک فرصت تلقی می‌کنند. اما طرح سه دریا مستلزم تعهد بیشتر آمریکا و اروپا برای مقابله با تهاجم ژئواکونومیک چین و اتصال قفقاز با غرب است.

برای اروپا بسیار مهم است که به جای انباشته کردن آسیب پذیری‌های ژئوپلیتیکی، پروژه‌های سرمایه‌گذاری و زیرساختی قابل توجهی را کلید بزنند.

قبل از حمله روسیه به اوکراین، اتحادیه اروپا قصد خود را برای گسترش شبکه حمل و نقل فرا اروپایی (TEN-T) به سمت کشورهای شرقی اعلام کرد. هدف اصلی توسعه ظرفیت‌های حمل و نقل گرجستان و جمهوری آذربایجان بود. اتحادیه اروپا در برنامه اقتصادی و سرمایه‌گذاری ژوئیه ۲۰۲۱ خود نیز کمک مالی برای تقویت کریدور حمل و نقل دیجیتال در دریای خزر و اتصال به دریای سیاه اختصاص داد.

رومانی شریک استراتژیک، قابل اعتماد و فعال ایالات متحده است که با حمایت غرب برای افزایش ظرفیت راه آهن و جاده‌ای می‌تواند به یک مرکز تجاری و نظامی حیاتی در دریای سیاه تبدیل شود و قفقاز و اوکراین را به بقیه اروپا متصل کند.

بازسازی اوکراین پس از جنگ هم باید با ابتکار سه دریا هماهنگ شود. این امر می‌تواند هسته عملکردی اروپا را از لهستان تا رومانی یکپارچه کند و باعث تقویت امنیت منطقه‌ای و ارتقای ثبات اقتصادی و سیاسی بین دریای سیاه و بالتیک شود.

اهمیت باکو برای آمریکا

اتاق فکر فوق در تحلیل دیگری به رویکرد واشنگتن به شرایط منطقه پرداخته و ضمن انتقاد از رئیس مجلس نمایندگان آمریکا می‌نویسد: «نانسی پلوسی» در تثبیت نقش خود به عنوان تعقیب‌کننده بحران جهانی به سرعت خود را به ارمنستان رساند و در آنجا جمهوری آذربایجان را به دلیل حملاتش محکوم کرد. در همین حال، «آدام شیف» هم قطعنامه‌ای غیر الزام آور در محکومیت جمهوری آذربایجان ارائه کرد. البته این ابتکارات به تلاش‌های فعال لابی ارمنی‌های دور از وطن در ایالات متحده مربوط می‌شود.

در بخشی از این تحلیل آمده است: ارمنستان دست نشانده روسیه پوتین نیست اما میزبان هزاران سرباز روسی و حداقل دو پایگاه نظامی آن است. ارمنستان دوستی نزدیکی با ایرانیان دارد. بنابراین، در کل، پلوسی عجله کرد تا متحد نزدیک روسیه و ایران را دلداری دهد.

در مقابل، جمهوری آذربایجان پس از تهاجم روسیه، گاز طبیعی خود را از طریق کریدور گازی جنوبی به اروپا فرستاد تا زمستان سخت پیش رو را پشت سر بگذارد. باکو هیچ کمکی به روس‌ها نمی‌کند؛ به ایرانی‌ها خیلی نزدیک نمی‌شود و نسبت به سرمایه گذاری‌های چینی محتاط است.

ترکیه دو مقر نظامی دیگر در سوریه دایر می‌کند

ارتش ترکیه قصد دارد در مناطق شمالی استان حلب و ادلب در نزدیکی مرز این کشور دو مقر نظامی دیگر دایر کند.

منابع نظامی در شمال سوریه از قصد ارتش ترکیه برای ساخت دو مقر نظامی دیگر در استان حلب در میان دهها مقر دیگر که در طول سالیان گذشته دایر شده، خبر می‌دهند.به نوشته وبگاه عنب بلدی، این دو مقر قرار است در نزدیکی گذرگاه «دیر بلوط» و «الغزاویه» که مناطق شمال حلب را به استان ادلب مرتبط می‌سازد، دایر شود؛ نقاطی که مناطق تحت اشغال گروهک «الجیش الوطنی السوری» (وابسته به ترکیه) را به مناطق تحت اشغال «هیئه تحریر الشام» (جبهۀ النصره سابق) مرتبط می‌سازد.

مسئول اطلاع‌رسانی گروهک «الجبهۀ الوطنیه للتحریر» در این باره به عنب بلدی گفت به نظر می‌رسد هدف از ساخت این مقرها نظارت بر خروج عناصر جبهۀ النصره از مناطق تحت کنترل «الجیش الوطنی» باشد که در هفته‌های اخیر به اشغال خود درآورده‌اند. گفتنی است در هفته‌های گذشته تروریست‌های سوری تحت حمایت ترکیه به شدت به جان یکدیگر افتاده‌اند و مناطق شمال استان حلب و اطراف شهرهای عفرین و الباب شاهد پیش‌روی تروریست‌های جبهۀ النصره و درگیری با عناصر «الجیش الوطنی» و «الفیلق الثالث» بود، به طوریکه شهر عفرین به اشغال تروریست‌های جبهۀ النصره در آمد و آن‌ها در نهایت با گرفتن امتیازاتی حاضر به عقب‌نشینی شدند.

وبگاه المرصد ۸۰ (وابسته به معارضان) نیز نوشت ترکیه با هدف ممانعت از درگیری‌های بیشتر اقدام به ساخت این مقرها می‌کند. گذرگاههای «الغزاویه» معروف به جاده «دارۀ عزه» و گذرگاه «دیر بلوط» دو گذرگاهی است که مناطق تحت کنترل جیش الوطنی و تحریر الشام را به یکدیگر مرتبط می‌سازد.

طی درگیری‌های که در هفته‌های اخیر این مناطق شاهد آن بود، ارتش ترکیه در نهایت مجبور شد برای آرام کردن اوضاع و پایان درگیری‌ها میان دو گروه وفادار به خود، نیروهای نظامی خود را وارد منطقه کند.

به نوشته المیادین، در سه هفته اخیر تروریست‌های جبهۀ النصره به همراه «فرقۀ الحمزه» و «فرقه سلیمان شاه» علیه گروهک «الفیلق الثالث» که همگی ازسوی ترکیه تأمین و تجهیز می‌شوند دست به عملیات زدند. با اینکه ترکیه تمام تلاش خود را برای آرام کردن اوضاع به کار گرفته اما شرایط همچنان ملتهب است.

در سال‌های گذشته ارتش سوریه توانسته بیش از ۸۰ درصد مناطق مختلف این کشور را تحت کنترل خود در آورد. در بسیاری از مناطق تروریست‌ها سرانجام مجبور شده‌اند تسلیم شده و طبق خواست خود به استان ادلب منتقل شوند. از این رو درحال حاضر دهها گروهک کوچک و بزرگ در استان ادلب و حلب در یک وسعت منطقه‌ای کم حضور دارند که هر از گاهی به جان یکدیگر می‌افتند.

بن سلمان در نشست سران عرب در الجزایر شرکت نمی‌کند

ریاست جمهوری الجزایر اعلام کرد که ولیعهد عربستان در اجلاس سران کشورهای عربی شرکت نمی‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از رویترز، ریاست جمهوری الجزایر در بیانیه‌ای اعلام کرد که «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان سعودی در نشست سران کشورهای عربی که قرار است در اول نوامبر در الجزایر برگزار شود، شرکت نخواهد کرد.

در بیانیه ریاست جمهوری الجزایر آمده است که «شاهزاده محمد در تماس تلفنی با عبدالمجید تبون، رئیس‌جمهور الجزایر از شرکت نکردن در نشست کشورهای عربی ابراز تأسف کرد.»

اشاره بیشتری به جزئیات عدم شرکت بن سلمان در نشست الجزایر نشده است.وزارت امور خارجه عربستان سعودی نیز با انتشار بیانیه‌ای گفتگوی تلفنی ولیعهد عربستان با رئیس‌جمهور الجزایر را تأیید کرده، اما اشاره‌ای به عدم حضور بن سلمان در اجلاس الجزایر نکرده است.

قرار است سران کشورهای عربی برای سی و یکمین اجلاس آتی خود که در تاریخ ۱-۲ نوامبر در الجزایر برگزار می‌شود، تشکیل جلسه دهند. ازسوی دیگر، عبدالمجید تبون، رئیس جمهوری الجزائر از الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان برای حضور در نشست سران کشورهای عربی به عنوان مهمان افتخاری دعوت به عمل آورده است. این دعوت در راستای عرف معمول که به موجب آن برخی شرکای خارجی به عنوان مهمان افتخاری دعوت می‌شوند، انجام شده است.

همچنین با نزدیک شدن به نشست سران کشورهای عربی در الجزائر که در ماه نوامبر برگزار خواهد شد، اختلافی بین کشورها درخصوص حضور اسد یا نماینده او در نشست الجزائر به وجود آمده است. در همین رابطه الجزائر و برخی کشورها از جمله امارات و شاید مصر تمایل به حضور سوریه در نشست اتحادیه عرب دارند.

الجزائر می‌گوید علت تمایلش برای حضور اسد یا نماینده او در این نشست در راستای هدف اساسی نشست یعنی توافق و انسجام کشورهای عربی درخصوص بسیاری از چالش‌های منطقه است. محمود حلمی»، تحلیلگر سیاسی درباره موضع قطر نسبت به بحران سوریه گفت که قطر از ابتدای بحران، موضع واضحی داشت که آن حل دیپلماتیک بحران بود. وی در گفت وگویی با الخلیج آنلاین اظهار داشت که در ابتدای بحران سوریه، مواضع کشورهای عربی تقریباً یکسان و همه علیه نظام سوریه بود اما اخیراً این مواضع تغییر کرده و اختلافی میان مواضع کشورهای عربی درباره سوریه به وجود آمده است.

حلمی افزود که برخی از کشورهای شورای همکاری و عربی به دنبال پایان قطع روابط با نظام سوریه هستند و برخی از آنها روابط خود را با سوریه عادی کرده‌اند اما برخی کشورها نیز اصرار دارند که همچنان قطع روابط باشند و بحران سوریه براساس راه حل سیاسی حل شود.